

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی

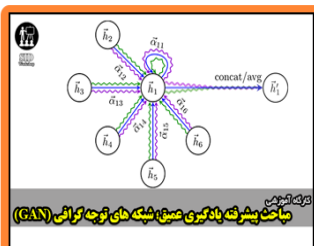


عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛  
شبکه های توجه گرافی  
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از  
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

## بررسی شاخصه‌های نحوی و عوامل پیوندی

### در تحلیل بلاغی اشعار سهراب سپهری

سیما ارمی اول<sup>1</sup>

#### چکیده

بیشترین پژوهش‌ها در زمینه بررسی‌های نحوی در سبک‌های ادبی، بر پایه توصیف شاخصه‌های نحوی در قیاس با شاخصه‌های نحوی آثار دیگر بزرگان صاحب سبک در آن دوره است. این گونه پژوهش‌ها بیشتر براساس نحوسنتی صورت گرفته است. این مقاله، نخست با اشاره به اهمیت نحو نقش‌گرا، افزون بر نقد سنتی به توصیف بالاترین بسامد شاخصه‌های نحو سنتی - نقش‌گرا در اشعار سهراب سپهری پرداخته، سپس به تبیین و تفسیر این عناصر می‌پردازد و نشان می‌دهد که این عناصر و شاخصه‌های نحوی کلام ادبی تا چه حد به شخصی‌سازی زبان و فراهنجار کردن زبان شعر سهراب می‌انجامد و به بررسی این موضوع می‌پردازد که این عناصر تا چه اندازه در اقبال مخاطب به شعر وی نقش آفرین بوده است.

**کلید واژه‌ها:** سبک ادبی، نحو سنتی، نحو نقش‌گرا، سهراب سپهری.

<sup>1</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، رایانامه: [sima\\_erami@yahoo.com](mailto:sima_erami@yahoo.com)

## مقدمه

عناصر نحوی، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک‌شناس در تحلیل یک اثر ادبی است که می‌توان از طریق آن از مرزهای صوری اثر ادبی فراتر رفت و به لایه‌های ذهنی و اندیشه شاعر که متأثر از جهان‌بینی و گفتمان ذهنی او نسبت به جهان پیرامون است، پی برد. نحو سنتی بیشتر به بررسی فرم و صورت اثر می‌پردازد و به تحلیل‌های بافتی و ژرف‌ساخت کلام توجه چندانی ندارد. حال آنکه در تحلیل یک اثر چگونگی نحو مؤلف یا شاعر تأثیر بسیاری در تعیین سبک و انگاره ذهنی او دارد.

عمده‌ترین پرسش ما در این تحقیق این است که عناصر نحوی تا چه اندازه در مقبول واقع شدن سپهری در میان خوانندگان عام و متخصص نقش داشته است؟

روش این پژوهش برای پاسخ‌گویی به پرسش فوق از طریق تعیین شاخصه‌های نحوی بر اساس دو نوع نحو سنتی و نقش‌گرا انجام شده است؛ بدین ترتیب که نخست، به تقسیم‌بندی محور نحوی در سه سطح خرد، کلان و عوامل پیوندی پرداخته شده؛ سپس به تفسیر و تحلیل این عناصر و علل خوشایند واقع شدن شعر سپهری در میان عموم مردم پرداخته‌ایم. هدف از این تقسیم‌بندی بررسی شاخصه‌های نحوی است که در سطح خرد به بررسی گروه، بند و جمله با توجه به نحو سنتی و در سطح کلان به بررسی عناصر فراتر از جمله مشتمل بر توازی نحوی، چیدمان نحوی پایه، هنجارگریزی نحوی و وارونگی نحوی پرداخته و در انتها به بررسی عوامل پیوندی و انسجام، ارجاع، حذف، جانمایی و تعبیرات واژگانی بر اساس نحو نقش‌گرای هلیدی می‌پردازیم.

نگارنده بر این عقیده است که در تحلیل اشعار سپهری بر پایه محور نحوی علاوه بر نحو سنتی، نحو نقش‌گرا که به بررسی بافت کلام و مرزهای فراتر از جمله می‌پردازد از اهمیت بسیاری برخوردار است. هلیدی در مقدمه نحو نقش‌گرا (1985) ضمن نقش‌مند دانستن متن، آن را از دو جنبه، قابل بررسی می‌پندارد: متن به عنوان محصول و متن به عنوان فرایند. متن را محصول می‌دانیم، زیرا بروندادست و قابل مطالعه و آن را فرایند می‌انگاریم، چون روند متداولی از انتخاب معناسازی است. متن به عنوان فرایند، نوعی تبادل نظر است و گونه زیربنایی آن، گفتگویی است که میان گویندگان انجام می‌شود.

خلق یک متن منسجم، حاصل تعامل مؤلفه‌های متعددی از جمله عوامل انسجام متنی است. هلیدی و حسن در انسجام در انگلیسی (1976) ساخت متنی زبان را دارای دو مؤلفه می‌دانند: مؤلفه ساختاری و مؤلفه انسجامی.

به این منظور، کاربرد نحو نقش‌گرا که به بررسی‌های فراتر از جمله می‌پردازد، در تحلیل گفتمان ذهن سپهری و انسجام شعر او می‌تواند مؤثر واقع شود.

در این جستار درصدد هستیم از طریق تعیین شاخصه‌های نحوی شعر سپهری و تحلیل آن، به دلایل نحوی اعجاز شعر سپهری در ذهن مخاطب بپردازیم و این نکته را مورد بررسی قرار دهیم که چه ویژگی‌هایی در سطح نحوی شعر او وجود دارد که شعر را به اندیشه شاعر پیوند می‌دهد و با تقویت سطح زبانی و ادبی، با جذب عاطفی مخاطب، او را از زبان فراهنجار شاعر به سوی نگاه و جهان‌بینی دگرگونه‌اش سوق می‌دهد.

## توصیف ساخت‌های نحوی شعر سپهری

## الف) نحو در سطح خرد

## گروه

## 1- گروه اسمی

1-1) گروه‌های اسمی یک هسته‌ای با وابسته‌های پسین:

- گیاه تلخ افسونی! شو کران بنفش خورشید را/ در جام سپید بیابان لحظه لحظه نوشیدم (سپهری، 1380: 93).
- و من - مسافر قایق - هزارها سال است / سرود زنده دریانوردهای کهن را/ به گوش روزنه‌های فصول می - خوانم (سپهری، 1380: 310).
- جیک جیک پر پروز گنجشک‌های حیاط / روی پیشانی فکر او می ریخت (سپهری، 1380: 444).

2-1) توالی گروه‌های اسمی با ساختار یک اسم + صفت / مضاف‌الیه

- تابش آبی در خواب، ارزش برگی در آب / این سو تاریکی مرگ، آن سو زیبایی برگ (سپهری، 1380: 53).
- سفر دانه به گل / سفر ماه به حوض / فوران گل حسرت از خاک / ریزش تاک جوان از دیوار / بارش شبنم روی پل - خواب / پرش شادی از خندق مرگ / گذر حادثه از پشت کلام (سپهری، 1380: 282).

## 2- گروه فعلی

1-2) وجه: وجه اخباری بالاترین بسامد انواع وجه را در شعر سپهری به خود اختصاص داده است.

- نظم در کوچه یونان میرفت / جغد در «باغ معلق» می خواند. / باد در گردنه خبیر، بافه‌ای از خس تاریخ به خاور می - راند (سپهری، 1380: 284).
- این تو بودی که طرح عطش را بر سنگ نهفته‌ترین چشمه کشیدی؟ / این تو بودی که هر وزشی، هدیه‌ای ناشناس به دامن می ریخت؟ (سپهری، 1380: 166).

2-2) زمان: پرکاربردترین زمان افعال در شعر سپهری گذشته ساده و استمراری است.

- در آن دقیقه که از ارتفاع تابستان / به جاجرود خروشان نگاه می کردی / چه اتفاق افتاد (سپهری، 1380: 312).
- فرصت سبز حیات، به هوای خنک کوهستان می پیوست / سایه ها بر می گشت (سپهری، 1380: 334).

3-2) معلوم و مجهول: کاربرد افعال معلوم و مثبت بالاترین بسامد را در شعر سپهری به خود اختصاص داده است.

حیاط روشن بود / و باد می آمد / و خون شب جریان داشت در سکوت دو مرد (سپهری، 1380: 310).

4-2) گذرا و ناگذر: افعال گذرا و ناگذر در شعر سپهری به کاررفته است. اما بسامد افعال گذرا بیش از ناگذر است.

کسی نیست / بیا زندگی را بدزدیم، آن وقت / میان دو دیدار قسمت کنیم (سپهری، 1380: 395).

## جمله

در سطح جمله، از سازوکارهای مختلفی برای بازنمایی واقعیت استفاده می‌شود که می‌تواند دارای تأثیرات جدی بر ذهن خواننده یا مخاطب باشد. یکی از این سازوکارها ساختار جمله به صورت ساده و مرکب و معلوم یا مجهول است.

### 1- جمله های ساده و مرکب :

در همه مجموعه‌های شعری به‌غیر از «صدای پای آب» بسامد جمله‌های مرکب معلوم بیش از دیگر اقسام جمله است.

- شب را نوشیده‌ام/ و بر این شاخه‌های شکسته می‌گیرم (سپهری، 1380: 83).

- رفته بودم سر حوض/ تا ببینم شاید، تنهایی خود را در آب (سپهری، 1380: 355).

### 2- همپایه‌افزایی

- من صدای نفس باغچه را می‌شنوم/ و صدای ظلمت را وقتی برگ از برگ می‌ریزد/ و صدای سرفه روشنی از پشت درخت ..... (سپهری، 1380: 286).

- حیاط روشن بود/ و باد می‌آمد/ و خون شب جریان داشت در سکوت دو مرد (سپهری، 1380: 310).

### بند

#### بندهای متوازی

- فتح یک قرن به دست یک شعر/ فتح یک باغ به دست یک سار/ فتح یک کوجه به دست دو سلام (سپهری، 1380: 283).

- من سازم: بندی آوازم. برگیرم، بنوازم. / من دودم: می‌پیچم، می‌لغزم، نابودم. / می‌سوزم. (سپهری، 1380: 250).

#### ب) نحو در سطح کلان

راهکارهایی که هالیدی برای تحلیل متون بزرگتر از جمله پیشنهاد می‌کند گزینش واژگانی است. برای اشاره به رویدادها و پدیده‌های جهان خارج، زبان امکانات واژگانی مختلفی در اختیارمان قرار می‌دهد و استفاده از هر کدام از واژه‌ها نشان‌دهنده نگرش‌های ما به آن پدیده یا رویداد است. با بررسی مجموع واژگان گزینش‌شده در یک متن به آسانی می‌توان به جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک آن پی برد. در واقع هدف نهایی تحلیل متن، توصیف ساخت‌های زبانی است تا نشان دهد که چگونه این ساخت‌ها تحت تأثیرات ایدئولوژیک ساخت‌های کلان اجتماعی هستند و بدان طریق به بازتولید آن‌ها می‌پردازند.

### 1- توازی نحوی:

- نشتا، نه به سوی روشن نزدیک، نه به سوی مبهم دور/ نیاویزیم، نه به بند گریز، نه به دامان پناه

(سپهری، 1380: 173).

- فوران گل حسرت از خاک/ ریزش تاک جوان از دیوار/ پرش ساری از خندق مرگ/ گذر حادثه از پشت کلام (سپهری، 1380: 282).

## 2- چیدمان نحوی پایه

- اضطراب بال و پری سیمای ترا سایه نمی کند/ در پرواز عقاب تصویر ورطه نمی افتد/ تابش چشمانت رابه ریگ و ستاره بسیار (سپهری، 1380: 168)

- نور در کاسه مس چه نوازش ها می ریزد/ نردبان از سر دیوار بلند، صبح را روی زمین می آرد

(سپهری، 1380: 336).

## 3- هنجار گریزی نحوی

### 1-3- تقدم صفت بر موصوف:

آفتابی یکدست/ ساراها آمده اند/ تازه لادن ها پیدا شده اند (سپهری، 1380: 343).

### 2-3- وارونگی نحوی (معمولاً به دلیل تأکید آن نقش نحوی است)

۱- نشاییم، نه به سوی روشن نزدیک، نه به سوی مبهم دور/ نیاویزیم، نه به بند گریز، نه به دامان پناه

(سپهری، 1380: 173).

۲- من به آغاز زمین نزدیکم/ آشنا هستم با، سرنوشت تر آب، عادت سبز درخت (سپهری، 1380: 287).

روزنی دارد، دیوار زمان، که از آن چهره من پیداست (حجم سبز: 336).

## ج) عوامل پیوندی

### 1-ارجاع (reference):

- کودک آمد.../ حرمت رشد/ از سر شاخه های هلو روی پیراهنش ریخت/ هجرت برگی از شاخه او را تکان داد (سپهری، 1380: 444).

- در پیشه تو آهو سر می کشد، به صدایی می رمد/ تو در راهی/ من رسیده ام (سپهری، 1380: 164).

### ۳- حذف (ellipsis)

- فریب را خندیده ای، نه لیخند را، ناشناسی را زیسته ای، نه زیست را (سپهری، 1380: 176).

- آب پیدا بود، عکس اشیا در آب/ سایه گاه خنک یاخته ها در تف خون/ سمت مرطوب حیات/ شرق اندوه نهاد بشری/ فصل ولگردی در کوچه زن/ بوی تنهایی در کوچه فصل (سپهری، 1380: 282).

### ۴- جانشینی (substitution)

- سالها این سجود طراوت...../ این تن بی شب و روز..../ این حضورشکیبا...../ این صورت بی مخاطب..... (سپهری، 1380: 441).

- این عجیب قشنگ/ با نگاهی پر از لفظ مرطوب/ مثل خوابی پر از لکت سبز یک باغ/ چشم‌هایی شبیه حیای مشک/ پلک‌های مردد..... (سپهری، 1380: 448).

#### 4- تعبیرات و ازگانی (lexical cohesions)

##### 1-4 هم‌آیی

##### الف) تضاد:

- نور و ظلمت را دیدم/ و گیاهان را در نور و گیاهان را در ظلمت دیدم (سپهری، 1380: 285)  
- می‌روم بالا تا اوج، من پر از بال و پر/ می‌بینم در ظلمت، من پر از فانوسم (سپهری، 1380: 336).

##### 2-4 باز آیی

##### تکرار (به خصوص تکرار نقش نحوی)

- و تو تنهاترین «من» بودی/ و تو نزدیک‌ترین «من» بودی/ و تو رساترین «من» بودی، ای «من» سحر گاهی (سپهری، 1380: 177).

- عشق پیدا بود، موج پیدا بود/ برف پیدا بود، دوستی پیدا بود./ کلمه پیدا بود./ آب پیدا بود (سپهری، 1380: 281).

##### 6- تمهیدات پیوندی

بالاترین بسامد تمهیدات پیوندی از میان 4 عامل پیوندی 1- افزایشی (additive) : و، همچنین، نیز، نه....

2- زمانی (temporal): تا، از... 3- نقیضی (adversative): ولی، اما... 4- علی (causative): زیرا، چون، تنها... 5- شرطی (conditional): اگر، مگر اینکه... عامل افزایشی بیشترین کاربرد را داراست. (Halliday: 1976)

در ادامه پژوهش به تحلیل ساخت‌های نحوی که به توصیف آن پرداخته شد، می‌پردازیم، ارتباط آن با گفتمان ذهنی سپهری و نقش این عناصر و مؤلفه‌ها در اقبال مخاطب از شعر او را تحلیل خواهیم کرد.

#### تحلیل ساخت‌های نحوی شعر سپهری

##### 1- سطح خرد

##### تحلیل گروه اسمی:

وجود وابسته‌های متعدّد برای هسته در گروه‌های اسمی و رابطه‌ای انتزاعی و تصویری که میان این وابسته‌ها و هسته برقرار می‌شود و معمولاً نو و خیال‌انگیز است، باعث می‌شود، شعر از دو جهت ادبی (به علت خلق تصاویر بدیع) و زبانی (به علت کشف مناسبات جدید میان معانی ثانوی واژه‌ها و طرح روابط تازه میان اجزای جمله) از هنجار زبان عادی فاصله بیشتری

بگیرد و تشخص هنری بیشتری یافته، در نتیجه، تأثیر اندیشگی عمیق‌تری بر ذهن مخاطب بگذارد. مثلاً در گياه تلخ افسونی! / شوکران بنفش خورشید را / در جام سپید بیابان لحظه لحظه نوشیدم ؛ در گروه اسمی آغازین جمله، رابطه میان "گياه" و "افسونی"، و در گروه اسمی دوم، رابطه میان "شوکران" و "بنفش" از سویی و رابطه میان "شوکران" و "خورشید" از سوی دیگر، و رابطه میان "جام" و "بیابان" (علاوه بر صفت "سپید" که خود برای "جام" تأمل برانگیز است)، نوعی آشنایی‌زدایی به کلام می‌بخشد که تناسب روشنی با اندیشه و مضمون فراهنجار و دگرگونه شعر سهراب دارد. وابسته‌ها می‌توانند وصفی یا اضافی باشند و در هر گروه چند لایه از مناسبات را با هسته اصلی گروه یا وابسته‌ای که خود نسبت به وابسته دیگر نقش هسته را ایفا می‌کند، به وجود آورند؛ اما آنچه این ویژگی را در محور نحوی، به اندیشه شاعر نزدیک می‌کند، روابط میان هسته‌ها و وابسته‌هاست که غالباً تصویری، انتزاعی و برآمده از افق و زمینه فکری و بافت مضمونی شعر است. در سطح دیگر، توالی گروه‌های اسمی نیز تناسب و توازی در سطح نحوی کلام ایجاد می‌کند که به فضای شعر لطافت و تغزل شاعرانه بیشتری می‌بخشد و با ایجاد نوعی هارمونی در کلام، مبتنی بر تکرار و وزن درونی، زمینه ذهنی مخاطب را برای مواجهه با اندیشه شاعر - به ویژه در جایی که اندیشه به نوعی جهان‌نگری نزدیک می‌شود - فراهم‌تر می‌کند. مثلاً در تابش آبی در خواب، ارزش برگی در آب / این سو تاریکی مرگ، آن سو زیبایی برگ؛ این تکرار، توالی و هارمونی موسیقایی، به روی هم نهادن تصاویری از طبیعت منجر شده است که جهان‌نگری شاعر را در وجه مشترک لایه‌های عمیق تصاویر به بهترین صورت نمایش می‌دهد. تکرار تصاویر متفاوت، در عین توازن صوری اجزای تصاویر و هماهنگی زبانی بین قافیه‌های درونی شعر، با فلسفه شاعر که عرفانی طبیعت‌گرایانه است و از کثرت تصاویر به وحدت اندیشه می‌رسد، تناسب شگفتی ایجاد کرده است.

### تحلیل گروه فعلی:

عامل زمان در جمله، نشان‌دهنده میزان فاصله گوینده یا نویسنده با موضوع است. می‌دانیم که میزان فاصله گوینده با واقعیت، زاویه دید و ذهنیت وی را نشان می‌دهد. از این رو عامل زمان، متغیر مهمی در میزان واقع‌گرایی متن و شیوه نگاه مؤلف به امور به شمار می‌رود.

بسامد بالای وجه اخباری در شعر سپهری، از این حیث قابل توجه است که این وجه با نمایش "آنچه در ظرف زمان رخ داده است"، نه "آنچه باید (یا نباید) رخ دهد" یا "آرزوی آنچه رخ خواهد داد"، تصویری از نسبت میان انسان و زمان و وقوع افعال و حالات در جهان ارائه می‌دهد که با اندیشه شاعر همخوانی بارزی دارد. نگاه عارفانه سهراب که مبتنی بر جذب و غور در لحظات و فاصله گرفتن از درازای زمان به سوی پهنا و ژرفای آن است، با وجه اخباری که معمولاً سکون و توقف در ظرف زمان و گزارش و توصیف رخدادها را ترسیم می‌کند و نگرش عارفانه که به جای تلاش برای تغییر بر تسلیم و پذیرش مبتنی است، متناسب است و این تناسب، از وجه بنیادین تمایل محور نحوی شعر سهراب به سوی افق فکری شعر اوست. پرکاربردترین زمان نیز در شعر سهراب زمان افعال گذشته ساده و استمراری است که پیوند ظریفی با نوستالژی‌های فکری او و غم غربتی دارد که در شعر سپهری، نگاه حسرت وار بالغ اندوهگین امروز را به گذشته باشکوه وی و کودکانه مقدسی که ریشه در گذشته دارد، نمایش می‌دهد. همچنین بسامد افعال مثبت، معلوم و گذرا در شعر سپهری بالاست؛ این بدان معناست که شاعر نگاه سلبی و منفی به طبیعت پیرامونش ندارد (افعال مثبت که برآیند نگاه مثبت شاعر تواند بود)؛ به رخداد بیش از رخ‌دهنده آن اهمیت نمی‌دهد و هر گاه به صنع، گزاره و طبیعت می‌نگرد، صانع، نهاد فاعلی و پدیدآورنده (خداوند) را فراچشم خویش می‌یابد (افعال معلوم که می‌تواند برآیند خداشناسی و خاستگاه‌گرایی او در قبال پدیدارها باشد) و دیدی



جزئی‌نگر دارد که فعل را فارغ از متأثر آن توصیف نمی‌کند (افعال گذرا که می‌تواند برآیند تأثرگرایی شاعر باشد). مثلاً در در آن دقیقه که از ارتفاع تابستان/ به جاجرود خروشان نگاه می‌کردی/ چه اتفاق افتاد...، استمرار فعل در گذشته، توقف ذهن مخاطب را در خاطره‌ای جامانده از دوردست به یاد می‌آورد؛ وجه اخباری جمله، تردید و آرزو و اجبار و نفی را با پذیرش حقیقت جایگزین می‌کند؛ معلوم بودن افعال "نگاه کردن" و "افتادن" ("تو" و "اتفاق")، ارزش پدیدآورنده افعال و حالات را در بطن هر رخداد مجسم می‌کند؛ و گذرا بودن فعل "نگاه می‌کردی"، به متمم "جاجرود خروشان"، بازگوکننده نگاه تأثرگرایی شاعر است که پرتوهای ظریف نگرستن را در سطح کلام، تا دورترین افق‌های آنچه نگاه را بدان سوی راهی هست، تعقیب می‌کند.

## جمله

### 1- جمله های ساده و مرکب / معلوم و مجهول :

کاربرد جمله معلوم یا مجهول، تغییر جایگاه نهاد و گزاره، و بخش‌های جمله برای تأکید یا عدم تأکید بر یک موضوع بسیار کارایی دارد. کاربرد صورت‌های مختلف جمله، نظم واژگانی جمله‌ها، ممکن است نشان دهنده میزان تأکید یا عدم تأکید بر معنایی باشد. چنین تأکیدها یا عدم تأکیدهایی دلالت ایدئولوژیک دارد. در شعر سپهری بیشترین جملات به صورت مرکب و معلوم است و اگر فاعل در ادامه یک شعر حذف می‌شود، ارجاع جایگزین آن می‌گردد.

### همپایه‌افزایی:

همپایه‌افزایی در شعر سپهری باعث می‌شود، تصویری که در شعر ارائه می‌شود، کامل‌تر بوده و جنبه‌ها و ابعاد متفاوتی به خود بگیرد. در شعر: من صدای نفس باغچه را می‌شنوم/ و صدای ظلمت را وقتی برگ از برگ می‌ریزد/ و صدای سرفه روشنی از پشت درخت... افزایش همپایه‌ها باعث شده است، مخاطب پیش از آن که درنگ کند، تصویر را مکرر تکمیل کند و در آن بیشتر فرو رود؛ بدین ترتیب، محور نحوی، عاملی برای تعمق ذهن مخاطب در شعر و در نتیجه تقویت سطح اندیشیدن او در قبال اندیشه شاعر خواهد شد.

### 2- نحو در سطح کلان

راهکارهایی که هالیدی برای تحلیل متون بزرگتر از جمله پیشنهاد می‌کند گزینش واژگانی است. برای اشاره به رویدادها و پدیده‌های جهان خارج، زبان امکانات واژگانی مختلفی در اختیارمان قرار می‌دهد و استفاده از هر کدام از واژه‌ها نشان دهنده نگرش‌های ما به آن پدیده یا رویداد است. با بررسی مجموع واژگان گزینش شده در یک متن به آسانی می‌توان به جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک آن پی برد در واقع هدف نهایی تحلیل متن، توصیف ساخت‌های زبانی است تا نشان دهد که چگونه این ساخت‌ها تحت تأثیرات ایدئولوژیک ساخت‌های کلان اجتماعی هستند و بدان طریق به بازتولید آنها می‌پردازند.

در ادامه به تحلیل مؤلفه‌های ذکر شده در بخش کلان می‌پردازیم.

### 2-1) توازی نحوی

توازی نحوی در قرینه‌های کلام، نوعی نظام و آرایش صوری به شعر سهراب می‌بخشد که محمل مناسبی برای ظهور معنا و بیان اندیشه انتزاعی او فراهم می‌آورد. این نظم صوری، در امتداد پیچیدگی درونی شعر، به شعر نوعی هارمونی می‌بخشد که بستر

را برای بیان اندیشه پارادوکسیکال شاعر فراهم می‌کند. توازی در محور نحوی که قابل مقایسه با موازنه و مماثلت در بلاغت سنتی است، نوعی تکرار شونده‌گی به اجزای کلام می‌دهد که موسیقی لفظی و معنوی کلام را غنی‌تر می‌سازد. همچنین در سطح کلام، توالی خاصی ایجاد می‌کند که باعث می‌شود خواننده در جملات به طور متوالی از کثرت به وحدت سوق پیدا کند و مخاطب در پیوند با نظمی که در نحو شعر بسته است، کلام را با اشتیاق بیشتری تا انتها دنبال کرده، لذت بیشتری از همراهی با چیدمان شعری در خود پیدا کند. تخیل، ماده اصلی شعر سهراب است. سهراب واژگانش را با چرتکه رنگ ترسیم می‌کند. تخیل زاییده ذهن سپهری است و ذهن منسجم، کلام منسجم می‌طلبد. این توازن به انسجام سخن نیز دامن می‌زند؛ در نتیجه گفتمان شعر سهراب را از بافت منسجم تری برخوردار می‌سازد. مثلاً در شعر: نشتایم، نه به سوی روشن نزدیک، نه به سوی مبهم دور/ نیاویزیم، نه به بند گریز، نه به دامان پناه (آوار آفتاب: 173) توازی نقش‌های دستوری، در مورد متمم‌ها پس از افعال آغازین دو قرینه وجود دارد. افعال آغازین بازدارندگی را منتقل می‌کند و این که دو متمم در دو قرینه (در مجموع 4 متمم) و هر دو با عامل بازدارندگی «نه»، بیش از حرف اضافه خود آمده‌اند، چینی در سطح کلام ایجاد کرده است که این بازدارندگی را در شعر سهراب نقاشی می‌کند. این توازن و نظم نحوی، لذت آفرینی را برای مخاطب بیشتر می‌کند و این لذت هنری، نزدیک شدن جذبه وار مخاطب را به سوی اندیشه شاعر و تقویت تأثیر سطح اندیشگی شعر را برای او به دنبال دارد.

## 2-2) چیدمان نحوی:

یکی از اشکال بارز در سطح نحوی شعر سهراب، چیدمان نحوی پایه در شعر اوست. در این نظم محور نحوی، اجزای جملات شعر، همچون نثر، دقیقاً بر مبنای نقش خود، با کمترین جابجایی و تغییر در جایگاه نحوی خود قرار گرفته‌اند؛ بدین ترتیب شعر حد اکثر شباهت را با نثر و کلام عادی پیدا می‌کند و از گرایش به سوی پیچیدگی محور نحوی و تعقید لفظی پرهیز می‌کند. این ویژگی در شعر سهراب تا حد بسیاری زیادی شباهت به چیدمان نحوی پایه‌ای دارد که در شعر کلاسیک فارسی از آن به «سهل و ممتنع» تعبیر می‌شود و بارزترین نمونه‌های آن در غزل سعدی، وحشی بافقی، قصیده فرخی سیستانی و از میان شاعران معاصر سنت‌گرا، در شعر ایرج میرزا یافت می‌شود. چیدمان نحوی پایه، کلام را ساده و بی‌تکلف، دوستانه، صمیمی و باورپذیر می‌کند و مخاطب با شعر، ارتباط عاطفی آسان‌تری برقرار می‌کند. در مواردی که کلام به این ویژگی نزدیک می‌شود، هنجارپذیری شعر بیشتر و معمولاً پیچیدگی سطح فکری در عین سادگی سطح نحوی، به شعر قابلیت پارادوکسیکال خاص می‌بخشد که به اندیشه شاعر در شعر تشخیص می‌دهد و مخاطب را در نوعی از لذت ادبی غوطه‌ور می‌کند که با اندیشه، بیشترین و عمیق‌ترین پیوند را برقرار کرده و فارغ از هر نوع نگرانی، با پیچیدگی فکر و نگرش شاعر مواجه می‌شود. به عنوان نمونه در شعر: شهر من کاشان نیست/ شهر من گم شده است/ من با تب من با تاب/ خانه‌ای در طرف دیگر شب ساخته‌ام (صدای پای آب: 286)، گرچه با نوعی فلسفه اتوپیایی، سرگشتگی فلسفی و بیان شاعرانه بحران هویت انسانی شاعر در قبال مفاهیم بنیادین هستی مواجهیم، چیدمان نحوی پایه باعث شده است این اندیشه، باورپذیر به نظر برسد و مخاطب احساس می‌کند، با این اندیشه غریب، قریب است؛ احساسی که بیشتر نتیجه استغراق در لذت ادبی است تا سابقه فکری نسبت به سطح اندیشگی شعر. این تأکید بر نقش ویژه، بخش جابجا شده کلام است که شاعر به ظاهر آگاهانه، ذهن مخاطب را بیشتر با این بخش از کلام درگیر می‌کند تا او را به تأمل وادارد.

## 3-2) هنجار گریزی نحوی:

از لحاظ گفتمان اندیشه شعری سهراب، دقیقاً عکس چیدمان نحوی پایه عمل می‌کند. بدین ترتیب که، گریز از هنجارهای نحوی، کلام را از سطح عادی و روزمره مناسبات میان نقشها در جمله دور می‌کند و مخاطبی که با چیدمان نحوی پایه شعر سهراب، جسارت بیشتری برای مواجهه با سطح اندیشه شعر او یافته است، به ناگاه با گریز از هنجارها با تأمل و درنگ بیشتری خود را با

بخشی از کلام مواجه می‌بیند که به تأکید این بخش منجر می‌شود و شاعر می‌تواند اندیشه خود را در سطح تازه‌ای از گفتمان شعرش ارائه کند که به یاری استغراق و لذت ادبی، مخاطب را با پیچیدگی معنوی و فکری شعر آشتی می‌دهد و به او هنر اندیشیدن و لذت توأمان می‌بخشد؛ لذتی که گاه رنگی از سلوک روحانی به شعر می‌دهد. بارزترین اشکال این هنجارگریزی در شعر سهراب در قالب قلب ترکیبهای وصفی و اضافی و وارونگی نحوی امکان پذیر می‌شود.

تقدم صفت بر موصوف، علاوه بر تغییر هنجار نحو شعر نسبت به کلام عادی، با تفاوت بخشیدن به محور نحوی، تأکید مخاطب و تأمل بیشتر او بر اندیشه شاعر را موجب می‌شود. به عنوان مثال ترکیب «تازه لادن‌ها» در شعر: آفتابی یکدست / سارها آمده‌اند / تازه لادن‌ها پیدا شده‌اند (حجم سبز: 343)، وقتی جایگزین «لادن‌های تازه» می‌شود، زیبایی را بیشتر برمی‌انگیزد. زیرا تفاوت در صورت تناسب زیبایی و این زیبایی میان مخاطب و اندیشه شاعر قرابت بیشتری به وجود می‌آورد.

همچنین در وارونگی نحوی نیز، قلب محور نحوی باعث می‌شود اهمیت و تأکید نقش‌ها دگرگون شود و ذهن مخاطب با حساسیت بیشتری خود را در معرض نگاه پیچیده شاعر به جهان پیرامونش قرار دهد. البته معمولاً هنجارگریزی به دلیل تأکید آن نقش نحوی است که جابجا شده است. به عنوان مثال در شعر: نشائیم، نه به سوی روشن نزدیک، نه به سوی مبهم دور / نیاویزیم، نه به بند گریز، نه به دامان پناه (آوار آفتاب: 173)، وارونگی نحوی باعث می‌شود، بازدارندگی افعال آغازین برجسته تر شود و ذهن مخاطب در عین حال که سطح تازه‌ای از زیبایی را تجربه می‌کند، با اندیشه شاعر نیز آشنا تر می‌شود.

### 3- عوامل پیوندی:

عوامل پیوندی در شعر سپهری، وزن اندیشه را در شعر بالا می‌برد؛ چراکه با حذف‌ها، ارجاعات و جانشین‌سازی‌ها، لفظ کوتاه تر می‌شود؛ مناسبات میان اجزای کلام تنوع بیشتری می‌یابد؛ یا واژه‌ها نسبت به انتظار مخاطب دگرگون می‌شوند. همین دگرگونی، با لذت افزایی شعر، مخاطب را تشویق می‌کند تا نسبت به اندیشه شاعر بیشتر واکنش نشان دهد. عوامل پیوندی نیز، زیبایی را از شکل شعر، به سطح معنا متمایل می‌کند.

#### 3-1 حذف:

در میان این عوامل، حذف نقش مهم‌تری دارد و معمولاً مهم‌ترین عامل است. برای نمونه در: آب پیدا بود، عکس اشیا در آب / سایه گاه خنک یاخته‌ها در تف خون / سمت مرطوب حیات / شرق اندوه نهاد بشری / فصل ولگردی در کوچه زن / بوی تنهایی در کوچه فصل ..، ساخت‌های فعلی جمله در آغاز عبارت شعری می‌آید و در ادامه، این اجزا به قرینه حذف می‌شوند و تا پایان گفتار، شعر با ارجاع پیش می‌رود. این ارجاعات، ذهن مخاطب را نسبت به شعر بیشتر متمرکز می‌کند و او به نگرش شاعر، شبیه‌تر خواهد شد.

#### 3-2 تعبیرات واژگانی:

تعبیرات واژگانی نقش مهمی در گفتمان شعری سپهری دارد. سبب می‌شود، تناسب‌ها یا تقابل‌های موجود میان اجزای کلام، رنگ تازه‌ای از تجربه زیبایی به شعر بزنند و مخاطب را نسبت به محور نحوی شعر و متعاقباً اندیشه شاعر، برانگیخته کند. این برانگیختگی، با واسطه ایجاد زیبایی در شعر، اندیشه شاعر را نیز برای مخاطب لذت بخش می‌کند. تعبیرات واژگانی در دو صورت هم‌آبی و بازآبی، به محور نحوی شعر سپهری تشخص می‌بخشد. مثلاً در: نور و ظلمت را دیدم / و گیاهان را در نور و گیاهان را در ظلمت

دیدم، هم آبی کلام در قالب تقابل و تضاد نور و ظلمت، زمینه ای از تقابل مفاهیم دوگانه را در شعر ترسیم می کند که باعث می شود، اندیشه شاعر نه صرفاً در حوزه بیان انتزاعی جهان نگری او بلکه در سطح محورنحوی شعر و بیان شاعر متبلور شود.

### 3-3) تکرار نقش نحوی:

تکرار نقش نحوی نیز، وزن لفظ را نسبت به معنا بیشتر می کند و موسیقی تکرار و خط ممتد وجود نقش ها در شعر، ناخودآگاه مخاطب را وادار می کند که بیشتر درنگ کند تا زیبایی را نه صرفاً در سطح مناسبات ادبی کلام، بلکه در سطح اندیشه شعر نیز جستجو کند. در شعر: مرغان مکان خاموش، این خاموش، آن خاموش، خاموشی / گویا شده بود، تکرار واژه خاموش، اگرچه با تغییر بنیادین نقش های واژه در جمله همراه است، اما با تکرار پژواک گونه خود، خاموشی را تبدیل به زمینه شعری می کند و بافت ادبی و سطح اندیشگی را در شعر، بهتر نمایان می کند.

### 3-4) تمهیدات پیوندی:

در میان تمهیدات پیوندی، تمهید افزایشی به خصوص «و»، بالاترین کاربرد را به خود اختصاص داده است و دلیل آن می تواند کاربرد جملات مرکب، بندهای متوازی، انسجام و پیوستگی کلام و گفتمان منسجم ذهن شاعر باشد که به خواننده اثر نیز در حین خوانش انتقال می یابد.

## نتیجه گیری

بر اساس آنچه در بخش های پیشین بدان پرداخته شد، دریافته ایم شاخصه های نحوی در شعر سپهری برجسته و قابل توجه هستند. این عناصر نحوی و مؤلفه های نقش گرا در تحلیل سبک شخصی، تعیین گفتمان ذهنی سپهری و اقبال مخاطب از شعر او نقش مهمی ایفا می کنند.

از جمله این عناصر نحوی می توان به گروه های اسمی متوالی با وابسته های متعدد، افعال اخباری معلوم گذرا جمله های معلوم و مثبت و از میان مؤلفه های نقش گرا به توازی نحوی، چیدمان نحو پایه و عوامل پیوندی اشاره کرد که اشکال زبانی منسجمی در شعر سپهری ایجاد کرده است.

همچنین دریافته ایم شعر سپهری به اقتضای سطح اندیشگی او از انسجام بسیاری برخوردار است و همین عامل سبب ایجاد فضایی روشن، آرام و منسجم در شعر او گردیده است. بدین ترتیب شعر سپهری خواننده را به اتوپیایی سوق می دهد که شاید جز در دنیای خیال امکان پذیر نباشد. عالمی که خواننده را برای لحظاتی از هستی مادی و فیزیکی مبرا ساخته و به فضایی آرام، سپید و زیبا رهنمون می سازد.

مجموع این عوامل سبب شده است تا سپهری به عنوان شاعری صاحب سبک و محبوب در خیل مخاطبین قلمداد گردد.

## منابع

سپهری، سهراب. (1380). هشت کتاب. تهران: طهوری

## فهرست منابع لاتین:

Halliday, M. A. K. 1985. An Introduction to Functional Grammar. London: Edward Arnold.

Halliday, M. A. K. 1976. Cohesion in English. London: Longman.

Archive of SID

# SID



سرویس های  
ویژه



سرویس ترجمه  
تخصصی



کارگاه های  
آموزشی



بلاگ  
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در  
خبرنامه



فیلم های  
آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛  
شبکه های توجه گرافی  
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از  
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی